فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۰- صفحات ۱۶۹-۱۴۳

چشم‌انداز مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی (نقد وضعیت موجود در مقطع کارشناسی ارشد و ارایه رویکرد جدید)

نوع مقاله: ترویجی

امیر خادم علیزاده[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

چکیده

یادگیری و آموزش در طول تاریخ، نقش به‌سزایی در رشد و تکامل علوم بشری داشته است. مطالعه درست و آموزش کارآمد اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، می‌تواند به رشد این شاخه مهم از اقتصاد کمک نموده، تقاضا برای آن را به‌خصوص در جامعه‌های اسلامی افزایش دهد. هدف از این نوشتار، که با روش تحلیل انتقادی انجام شده، بررسی و نقد رویکردهای مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی است که به‌دنبال آن از رویکرد تطبیقی- انتقادی برای آموزش این درس در مقطع کارشناسی ارشد در شرایط گذار جامعه به‌سوی جامعه ایده‌آل اسلامی، سخن گفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌طور کافی و مؤثر تبیین نشده است. و در مراکز علمی-پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای آن وجود نداشته است. و اینکه آموزش تطبیقی - انتقادی این درس، به همراه انجام مطالعات آماری، موجب افزایش اثربخشی و تقاضای مؤثر برای آن می‌شود.

کلمات کلیدی: اقتصاد کلان، آموزش، روش تطبیقی، رویکرد اسلامی

طبقه‌بندی JEL: A20, E10, Z12

[۱] دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی aalizadeh@atu.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

مقدمه

ایده این نوشتار، یک بسته اندیشگی در ارتباط با کارایی کیفیت مطالعه و آموزش و تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد است. آموزشی که برای جامعه علمی، مفید و برای دانشجویان این درس جاذبه کافی داشته باشد و بتواند اندیشه‌های اسلامی را در عرصه اقتصاد به‌طور کلی و اقتصاد کلان به‌طور خاص، منعکس کند. چرا چون تبیین اقتصاد کلانی با عنوان اسلامی به شکلی که نه برای جامعه مفید باشد و نه برای دانشجویان جاذبه داشته باشد و نه از سوی تصمیم‌گیران اقتصادی و حتی اجرایی در کشور تقاضای مؤثری برای آن باشد، تلاشی است بیهوده و بی‌حاصل که نه تنها خوش‌بینی نسبت به‌نظریه اسلامی ایجاد نمی‌کند بلکه به عکس، دارای دافعه و موجب دوری جستن دانشجویان از چنین مباحثی است و مسلماً یک دفاع منفی از نظریه اقتصاد کلان اسلامی به‌شمار می‌رود. اهمیت و ضرورت این بحث، لزوم ارزیابی وضعیت تدریس متون اقتصادی به‌خصوص درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد که آسیب‌شناسی شیوه‌های مطالعه و آموزش آن، می‌تواند آموزش اقتصاد اسلامی دست کم در این درس را تقویت و کاراتر نماید چرا که یکی از چالش‌های تدریس و پژوهش چه در سطح کلاس‌های درسی و چه مؤسسات پژوهشی در این زمینه به نوع و شیوه تدریس و ارائه مباحث کلان با رویکردی اسلامی برمی‌گردد که انتخاب راه کار آمد و جذاب برای دانشجویان می‌تواند مسیر آینده ادبیات اقتصاد اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد. مسئله پژوهش این است که "چرا متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد، با تقاضای اندکی مواجه شده است؟ "مشکل در روش پژوهش و تدریس است؟ یا روش استنباط یا....؟

حدس اولیه و فرضیه این پژوهش این است که: نظام اقتصادی و به‌طور خاص نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌طور کافی و مؤثر تبیین نشده است و در مراکز علمی-پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای ادبیات اقتصاد کلان با نگرشی اسلامی وجود نداشته است و آموزش تطبیقی اقتصاد اسلامی به همراه انجام مطالعات آماری (برای سنجش میزان اثربخشی یعنی تغییر در رفتارها، روند متغیرها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌گذاری‌ها و...) موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود.

نوشتار پیش رو در شش بخش زیر سامان‌دهی شده است: در بخش اول مسئله پژوهش و اهمیت آن، تبیین شده است و در ادامه، پرسش اصلی، فرضیه و سامان‌دهی مقاله آمده است. وضعیت موجود آموزش اقتصاد کلان اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

ایران و پیشینه برخی شیوه‌های آموزشی در تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، بخش دوم مقاله را تشکیل داده است. بخش سوم، ضمن آسیب‌شناسی متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد از فقدان رویکرد "حل مسئله" در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی و فقدان مطالعات آماری و تجربی در آنها سخن گفته است. رویکرد جدید پیشنهادی در بخش چهارم ارایه می‌شود و بر رویکرد تطبیقی- انتقادی در آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی و دور ماندن از دام "دوگانه ناسازگار" و استفاده از جامعه آماری موجود (و نه ایده‌آل اسلامی) برای مطالعه کلان با رویکردی اسلامی تأکید نموده است. بخش پایانی با خلاصه و نتایج ، مقاله را به سرانجام می رساند.

۱. وضعیت موجود آموزش اقتصاد کلان اسلامی در ایران

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دهه ۱۹۹۰، اصول و دیدگاه‌های نظام اقتصاد سوسیالیستی در قالب متون و واحدهای درسی در دانشکده‌های علوم اقتصادی به موازات تدریس دروس اقتصادی نظام اقتصاد سرمایه‌داری تدریس می‌شد. در ایران نیز تا واپسین روزهای نظام شاهنشاهی در دانشگاه‌ها و به‌خصوص دانشکده‌های علوم سیاسی و اقتصادی، واحدهای درسی در زمینه نظام اقتصاد سوسیالیستی تدریس می‌شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز دانشجویان دانشکده‌های اقتصاد، دست‌کم برای مطالعه تطبیقی نظام‌های اقتصادی، ناگزیر از مطالعه اجمالی نظام اقتصاد سوسیالیستی بودند که در کتاب‌های مربوط به نظام‌های اقتصادی، این متون همچنان در دسترس می‌باشد (برای مثال ر.ک: نمازی، ۱۳۸۷).

۱-۱. جایگاه درس اقتصاد کلان در برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد، گرایش اقتصاد اسلامی

آنچه در این نوشتار مورد نظر است درس اقتصاد کلان در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد که در بیشتر دانشگاه‌هایی که رشته اقتصاد اسلامی در آنها دایر است، این درس با رویکردی اسلامی تدریس می‌شود. البته برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه تهران (دانشکده اقتصاد) با رویکردی تفکیکی، در یک نیم‌سال تحصیلی درس اقتصاد کلان متعارف و در نیم‌سال دیگری به‌طور جداگانه به رویکرد اسلامی می‌پردازد. درحالی‌که در دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده اقتصاد) این درس در دو نیم‌سال تحصیلی با رویکرد تحلیلی تطبیقی از بدو تأسیس این رشته در سال ۱۳۹۶ تا کنون در دو

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

درس سه واحدی ارائه می‌شده است. همان‌طور که در جدول (۱-۱) مشاهده می‌شود، اقتصاد اسلامی در مقطع کارشناسی، سرفصلی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران ندارد. یعنی این مقطع در دانشگاه‌های دولتی تدریس نمی‌شود.

اما درس اقتصاد کلان در رشته علوم اقتصادی مقطع دکتری گرایش اقتصاد اسلامی، بنا بر صورت واحدهای این گرایش مصوب، با همان سرفصل‌های اقتصاد متعارف در قالب دو درس دو واحدی ارائه می‌شود و در مقطع کارشناسی ارشد برخی در سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳ منسوخ شده و تنها مورد فعال در دانشگاه‌های دولتی، مربوط به برنامه درسی علوم اقتصادی با گرایش اقتصاد اسلامی است که آن هم در سال ۱۳۹۵ بازنگری شده است.[1] پس به‌اصطلاح، محل نزاع در این مقاله، درس اقتصاد کلان اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد اسلامی می‌باشد.

جدول (۱-۱). مقطع‌های درسی فعال رشته علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد اسلامی در ایران

عنوان رشته	مقطع تحصیلی	تاریخ تصویب	وضعیت	نوع مصوبه	زیر گروه تحصیلی	نام مصوبه اصلی	نام مصوبه بعدی	شماره مصوبه	گروه تحصیلی	فایل
اقتصاد اسلامی	کارشناسی ارشد ناپیوسته	1393/10/27	منسوخ	بازنگری	علوم اقتصادی	-	-	13931027	علوم اجتماعی	دانلود فایل
اقتصاد اسلامی	کارشناسی پیوسته	1371/02/20	منسوخ	نخستین	علوم اقتصادی	-	-	257	علوم اجتماعی	دانلود فایل
اقتصاد اسلامی	کارشناسی پیوسته	1387/07/06	منسوخ	نخستین	علوم اقتصادی	-	-	682	علوم اجتماعی	دانلود فایل
اقتصاد اسلامی	کارشناسی ارشد ناپیوسته	1387/07/06	منسوخ	نخستین	علوم اقتصادی	-	-	682	علوم اجتماعی	دانلود فایل
علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی	دکتری تخصصی	1395/06/14	فعال	بازنگری	علوم اقتصادی	-	-	77	علوم اجتماعی	دانلود فایل
علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی	کارشناسی ارشد ناپیوسته	1395/09/14	فعال	بازنگری	علوم اقتصادی	-	-	88	علوم اجتماعی	دانلود فایل
علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی	دکتری تخصصی	1369/09/18	منسوخ	نخستین	علوم اقتصادی	-	-	208	علوم اجتماعی	دانلود فایل
علوم و مدیریت گرایش اقتصاد اسلامی	کارشناسی ارشد ناپیوسته	1387/11/12	فعال	نخستین	علوم حوزوی	-	-	707	علوم انسانی	دانلود فایل
فلسفه اقتصاد اسلامی	دکتری تخصصی	1393/09/25	فعال	نخستین	علوم اقتصادی	-	-	784	علوم اجتماعی	دانلود فایل

منبع: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران سال ۱۴۰۰

[1] این گرایش، جایگزین رشته اقتصاد اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۳ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۱-۲. پیشینه برخی شیوه‌های آموزشی در تدریس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

مباحث اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در ایران و خارج از ایران، از سوی علاقه‌مندان به مباحث اقتصادی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به تدریج مطرح شد به‌طوری که از سال‌های دهه ۱۳۸۰ به این طرف، کم‌کم شاهد تألیف کتاب‌هایی با عنوان اقتصاد کلان اسلامی یا به تعبیر درست‌تر اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی بوده‌ایم که می‌توان آنها را در سه رویکرد زیر دسته‌بندی نمود:

اول: رویکرد جبری از طریق به‌کارگیری نمادهای پرشمار خسته‌کننده که البته سعی در گنجاندن قیدها، محدودیت‌ها و نوع روابط رفتاری توأم با الزام‌های شرعی در قالب نمادهای گوناگونی نموده‌اند که بعضاً فهم روابط جبری اقتصاد کلان متعارف را برای دانشجویان، مشکل، غامض و بعضاً رنج‌آور می‌کند. اما ویژگی مهمی که در این بحث برای ما حایز اهمیت است، تبیین و آموزش اقتصاد کلان کاملاً دستوری است که بریده از سیاست‌گذاری‌های کلان در سطح جامعه اسلامی است و این نیز برای دانشجویان، نوعی بی‌تفاوتی و برای این روش، دافعه ایجاد کرده است به‌طوری که دانشجوی درس اقتصاد کلان در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد، هیچ پیوندی بین این مطالب و آنچه که در جامعه اطراف او می‌گذرد، نمی‌یابد و این فاصله بین واقعیت‌های موجود و مباحث صرف نظری و دستوری در متون درسی این رشته، یکی از دلایل بی‌ارزش بودن آنها در نزد دانشجو و چه بسا تصمیم‌گیران اقتصادی است که عبارت دیگری از وجود تقاضای کم از سوی آنها، برای آموزش این درس می‌باشد (الزامل و بن جیلانی، ۱۳۷۸).

البته یکی از متن‌های ارزشمند که براساس پژوهش‌های گسترده و عالمانه در اقتصاد اسلامی با عنوان "اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی" به رشته تحریر در آمده است، بدون آنکه درصدد تطبیق بین اقتصاد کلان متعارف و اسلامی برآید، به‌سوی این رویکرد جبری با استفاده از نمادهای تعریف شده برای گنجاندن قیود اسلامی، متمایل شده است (میرمعزی، ۱۳۸۴).

دوم: رویکرد دیگرکه گویی علاقه چندانی به استفاده از رویکرد ریاضی و جبری ندارد، تنها به ارتباط بازارها در سطح اقتصاد کلان بسنده کرده و به نوعی دیدگاه‌های اسلامی در ماهیت بازارها و نوع هنجارهای اقتصادی حاکم بر آنها در سطح کلان را مورد ملاحظه قرار داده است (برای نمونه: الجارحی، ۲۰۰۴).

نمونه دیگری که با کمی تفاوت در این دسته می‌گنجد، مطالعه حسین عسکری و همکاران (۲۰۱۴) از دانشگاه جورج واشنگتن با عنوان "درآمدی بر اقتصاد اسلامی" است که به‌طور اندک، از نمادهایی با پیشوند "I" برای تمایز بین تعریف اقتصاد اسلامی یک مفهوم یا متغیر از تعریف مفهوم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

یا متغیر مشابه آن در اقتصاد متعارف، استفاده نموده است. ولی غالباً بر مدار ادبیات اقتصاد کلان متعارف در تبیین و تحلیل اقتصاد اسلامی حرکت کرده است و بدون عمیق شدن در مفاهیم اسلامی و یا استناد به آموزه‌های اسلامی، یک نگاه تطبیقی بسیار کلی را دنبال نموده است.

سوم: برخی در رویکرد خاص خود، بر الزامات ساختار توزیع داده‌های کلان و جمع‌آوری آنها در جامعه اسلامی تأکید نموده‌اند و مثلاً در یکی از مقالات خود به داده‌هایی در زمینه مالیات‌هایی همچون زکات و توزیع منابع جمع‌آوری شده در بین گروه‌های هدف پرداخته‌اند و ارتباط بین بودجه دولت‌ها و مالیه اسلامی را دنبال کرده‌اند و از یک نوع حسابداری ملی اسلامی و به‌عبارتی تعدیل در حسابداری ملی، سخن گفته‌اند که گرچه یک گام مفید است اما بسیار ابتدایی به‌نظر می‌رسد. این نویسنده در مقاله دیگر خود با عنوان "تئوریزه کردن اقتصاد کلان"، سعی در تفکیک مباحث اثباتی و دستوری داشته و نوعی روش‌شناسی یا مراحل را برای انجام پژوهش در زمینه ارائه نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی دنبال کرده است، البته این مطالعه در حدود سه دهه قبل بوده و ما اثری از ادامه آن یا تحقق متونی در زمینه اقتصاد کلان با این رویکرد تاکنون نیافته‌ایم (برای نمونه: سعید طاهر، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۵).

ضمن ارج نهادن به تمام این پژوهش‌گران متعهد و تلاشگر در عرصه ادبیات اقتصاد اسلامی در یک جمع‌بندی و تحلیل آزاد و واقع‌بینانه علمی، پرسش این است که "چرا متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد، با تقاضای اندکی مواجه شده است؟"

۲. نقد وضعیت موجود

ادبیات اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی برای اولین بار در ایران در قالب چندین متن درسی و کمک درسی و مقاله، راه به دانشگاه پیدا کرده است اما چرا این متون، تأثیر چندانی در بهبود آموزش اقتصاد کلان و سیاست‌های کلان کشور نداشته اند؟ و چرا در بازار آموزش، تقاضای بسیار کمی برای آن وجود داشته است؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۲-۱. آسیب‌شناسی متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

اینجاست که باید این مسئله را آسیب‌شناسی کنیم و تا آنجا که مربوط به شیوه ارائه مطالب اقتصاد کلان برای تدریس و یادگیری دانشجویان در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد مربوط می‌شود، این مقاله به آن توجه نموده است.

طرح اقتصاد کلان به‌عنوان مجموعه ای از مبانی بینشی و ارزشی، نهادها و روابط بین آنها که بیانگر بخشی از نظام اقتصاد دستوری با رویکردی اسلامی است، گرچه مفید است، اما اثربخشی پایینی دارد. لذا در بازار آموزش، تقاضای بسیار کمی برای آن وجود دارد چرا؟

چون طرح نظام کلان دستوری، پیوند بسیار کمتری با واقعیت کلان اقتصاد جامعه امروز اسلامی دارد.

چون مسلمانان و علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی، این دانش دستوری را به‌عنوان بخشی از علوم دینی، مقدس می‌شمرند اما اثری برای آن در صحنه عمل و هدایت اقتصادی جامعه نمی بینند.

چون "اقتصاد کلان شامل مجموعه‌ای است از دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی عملکرد، تنظیم آن در یک چارچوب منطقی یا یک مدل و ارایه مبنایی برای اینکه کدام سیاست اقتصادی بایستی طرح و اجرا گردد" درحالی‌که با طرح نظام دستوری، مجموعه‌ای از باید و نبایدها را مشاهده می‌کنند و نه دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی عملکرد، در نتیجه آن را برای عمل در واقعیت جامعه اسلامی، مناسب نمی‌بینند، در این‌صورت دانش اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، در جامعه شکل نمی‌گیرد یعنی آنچه منظور بوده، رخ نداده و آنچه تاکنون به نام کلان اسلامی در ادبیات موجود اقتصاد اسلامی شکل گرفته، منظور نبوده است.

چون دانش اقتصاد کلان اسلامی می‌بایست یک جایگزین مناسب برای اقتصاد کلان متعارف باشد که این‌چنین نیست. چه باید کرد؟

پژوهش مسئله محور اقتضا دارد که بپرسیم چرا در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان، تقاضایی برای این دانش نوپا (البته به شکل دستوری و بی‌ارتباط با وضعیت موجود اقتصاد ایران) نیست؟ درحالی‌که مؤمن به آموزه‌های اسلامی- اقتصادی می‌باشند. چرا اقبال و استقبالی از این نظام صرف دستوری (و نه اثباتی) اقتصاد کلان در بین تصمیم‌گیران اقتصادی دیده نمی‌شود؟ درحالی‌که مؤمن به آموزه‌های اسلامی – اقتصادی می‌باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۲-۲. فقدان رویکرد "حل مسئله" در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

محور اصلی که بسیاری از اقتصاددانان بزرگ اقتصاد کلان بر آن تأکید دارند کاربردی بودن اقتصاد کلان، قدرت توضیح‌دهندگی و تبیین علت نوسانات اقتصادی از سوی اقتصاددانان است. در این زمینه اسنودن و همکاران می‌گویند: تحلیل اقتصاد کلان به‌دنبال تبیین علت تأثیر نوسانات کوتاه مدت در GDP یا سیکل‌های تجاری و عوامل تعیین‌کننده روند بلندمدت GDP یعنی رشد اقتصادی است (اسنودان، وین، ۲۰۰۵). بلانچارد می‌نویسد: اقتصاد کلان یک علم دقیق و نظری خاص نیست بلکه یک علم کاربردی است که در آن ایده‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های اقتصادی در برابر حقایق خارجی در اقتصاد ارزیابی می‌شوند و در نهایت این نظریه‌ها و ایده‌های اقتصادی یا تعدیل می‌شوند و یا رد می‌گردند (بلانچارد، ۱۹۹۷). به‌علاوه، اقتصاددانان کلان برای اینکه از تحولات عقب نمانند، باید مرتباً خود را در جریان دیدگاه‌ها و مسایل جدید قرار داده، دانش خود را به روز کنند (مشیری، ۱۳۸۱). گری گوری منکیو استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد که در زمینه اقتصاد کلان کتاب‌های مفید و معتبری به رشته تحریر درآورده است پس از چند سال دست و پنجه نرم کردن با مسایل و چالش‌های اقتصادی در واقعیت جامعه امریکا به‌عنوان عضو مؤثر شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید و به‌دنبال استعفایش از این شورا در سال ۲۰۰۶ با مروری بر جریانات اقتصاد کلان در یک مقاله بسیار ارزشمند و تحلیلی خود می‌پرسد: آیا اقتصاددانان کلان یا اقتصاددانان به‌طور کلی قرار است مهندس باشند یا دانشمند؟ آیا قرار است دانشمندی باشد که در کلاس درس، تنها مسائل تئوریک را تدریس کند؟ یا به‌عنوان مهندس به حل مشکلات و مسائل اقتصادی بپردازد؟ وی می‌نویسد: "خداوند، اقتصاددانان کلان را روی زمین قرار نداد تا تنها نظریه‌های دقیق را ارایه و آزمون کنند بلکه آنان را برای حل مشکلات عملی جامعه قرار داد" (منکیو، ۲۰۰۶: ۲). در ادامه مقاله پس از بیان و اندیشه اقتصادی از کلاسیک و نئوکلاسیک، کینزی و بعد کلاسیک‌های جدید و بالاخره کینزی‌های جدید، سؤالاتی را مطرح می‌کند که مربوط به آموزش اقتصاد در مطالب پایانی مقاله است. او می‌نویسد: دانشجویان مانند سیاست‌گذاران، علاقه کمی به‌نظریه به خاطر نظریه دارند. در عوض آنها علاقه دارند تا دریابند که چگونه دنیای واقعی کار می‌کند و چطور سیاست عمومی می‌تواند عملکرد اقتصادی را بهبود بخشد (منکیو، ۲۰۰۶: ۱۹). آیا پژوهشگران اقتصاد اسلامی به‌خصوص در سه دهه اخیر در ایران، روش‌شناسی مؤثر و کارآمدی در طرح و آموزش این دانش نداشته اند؟ آیا بی‌ارتباط و بی‌اطلاع از اقتصادی که هم اکنون در ایران جریان دارد مباحث

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

آکادمیک در زمینه اقتصاد اسلامی، راه خود را پیموده است؟ آیا طرح و آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی و از جمله اقتصاد کلان موضوع-محور بوده تا مسئله-محور؟

جامعه دانشگاهی اقتصاد، در طول چهاردهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که شاهد فشار تقاضای گسترده، کمبود شدید سرمایه‌گذاری، تورم‌های ۱۰ تا ۴۰ درصدی، کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی، رکود بی‌سابقه و عرضه محدود و نرخ بیکاری بالا بوده است، کدام نظریه یا چارچوب نظری سازگار با وضعیت بومی و فرهنگی ایران را برای تحلیل و حل مسئله در طرح کلان اقتصاد ایران را توصیه نموده است؟

چون علم اقتصاد اسلامی آنگاه پدید می‌آید که با روش دانش متعارف اقتصاد، واقعیت‌های زندگی مسلمانان مانند کنش، رفتار و پدیده‌های زندگی آنان تبیین و پیش‌بینی و نیز کنترل و مدیریت شوند (رفیعی آتانی، ۱۳۹۴).

همه می دانیم که اقتصاد کلان متعارف پس از بحران بزرگ (۳۳-۱۹۲۹) متولد شد و هنوز سنت "درس آموزی" از این بحران بزرگ و جلوگیری از تکرار نرخ بیکاری ۲۶ درصد و رکود شدید، در سطح نظری و تجربی و توصیه‌های سیاستی در بین اقتصاددانان ادامه دارد. به‌علاوه به خاطر افزایش توانایی تحلیل مسائل اقتصاد کلان با توجه به واقعیت‌های موجود در سطح اقتصاد کلان، رویکردهای جدیدی از سوی اقتصاددانان اتخاذ می‌شود تا به حل مشکلات اقتصادی متناسب با نوع پدیده‌های جدید اقتصادی نائل شوند. برای نمونه رومر (۲۰۰۰) و تیلور (۲۰۰۴)، چارچوب جدیدی برای رویکرد تحلیلی اقتصاد کلان مطرح می‌کنند. در چارچوب پیشنهادی رومر –تیلور، به جای منحنی LM طبق قاعده تیلور، PM (سیاست پولی) و به جای عرضه کل خط IP (تعدیل تورم) قرار داده شده است. بنابراین، به جای رویکرد تحلیلی سنتی IS-LM-AS، رویکرد تحلیلی مدرن IS-MP-IA پیشنهاد شده است که رومر یازده مزیت برای آن برمی‌شمارد (میرجلیلی، ۱۳۹۲) به‌نظر می‌رسد امروز نیازمند آموزش اقتصاد کلانی در ایران هستیم که براساس پایه‌های نظری و آماری سازگار با واقعیت‌های ایران، تدریس گردد و رویکردی "حل مسئله" و "درمانگر چالش‌های اقتصادی" داشته باشد. دراین‌صورت برای محصولات دانشگاهی، تقاضای مؤثر ایجاد خواهد شد و مشاوران اقتصادی، جایگاهی مشابه مشاوران حقوقی خواهند یافت چون می‌توانند از منافع بخش عمومی و خصوصی در عرصه اقتصاد در عمل و صحنه زندگی واقعی دفاع نمایند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۲-۳. فقدان مطالعات آماری و تجربی در متن‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

تاریخ اقتصادی نشان داده است که همواره "چالش‌ها"، "مسئله‌ها"، "نیازها" و "رویدادهای اقتصادی"، موجب ظهور نظریه‌های جدید یا اصلاح نظریه‌های موجود شده است. در این راستا انجام مطالعات آماری مانند مطالعه آماری سایمون کوزنتس (۱۹۴۱) یک نمونه بارز در ادبیات اقتصادی قرن بیستم می‌باشد که موجب ارائه نظریات جدید مصرف پس از کینز شد و زمینه را برای نگاه دقیق‌تر به مصرف کلان و در نتیجه تحلیل‌های اقتصادی فراهم نمود. بنابراین فقدان مطالعات آماری و تجربی در ادبیات اقتصادی اسلام از این زاویه بیشتر احساس می‌شود چه در این‌صورت، موجب پویایی، اصلاح و حتی ارائه نظریه‌های جدید اقتصادی با رویکردی اسلامی می‌شود. انجام این رویکرد مطالعاتی راز تقاضای اندک برای اقتصاد اسلامی را آشکار می‌کند. در این رابطه، رویکرد انزوایی رویکردی است که قائلین به آن از یک‌سو معتقد به استقلال کامل ادبیات اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف هستند و از نگاه آنها، اقتصاد متعارف نمی‌تواند هیچ‌گونه دلالت مفید فایده‌ای برای اقتصاد اسلامی داشته باشد. از سوی دیگر این تفکر قائل به ضرورت برخورداری از اقتصاد اسلامی از یک مبنای فکری مستقل از مبنای فکری اقتصاد متعارف است و در حوزه معرفت‌شناسی از موضع مستقلی برخوردار است که یک نقطه قوت به‌شمار می‌رود اما نقطه ضعف این رویکرد در ارتباط با عینیت‌های خارجی مشخص می‌شود چرا چون روشی برای رسیدن به نتایج اقتصادی ندارد و با موضوعات و عینیت‌های خارجی اقتصادی هم رابطه برقرار نمی‌کند به‌عبارتی این تفکر همواره در سطوحی از انتزاع در درون مبانی دور می‌خورد و هیچ‌وقت به عینیات خارجی برگشت ندارد به تعبیر دیگر از انتزاع آغاز شده و به انتزاع ختم می‌شود و چون روشی برای حرکت از مبنا تا عینیت ندارد عملاً نسبت به مسائل اقتصادی و وقایع پیرامونی منزوی شده و نمی‌تواند با مسائلی چون فقر، تورم، بیکاری و .... رابطه برقرار کند (زریباف و زندی، ۱۳۹۵) نتیجه آنکه در ادبیات اقتصاد کلان متعارف که عمدتاً با کار بزرگ جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶ شروع شد تاکنون آثار آموزشی-پژوهشی‌ای موفق بودند که نگاه "حل مسئله[1]" داشته‌اند و در کنار ارائه پایه‌های نظری اقتصاد کلان با ارائه راهبردهای مشخص و در پی حل مسئله‌ای در سطح اقتصاد کلان جامعه خویش برآمده‌اند اما آثار آموزشی- پژوهشی اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی یا فقط به ارائه بخش دستوری و تجویزی آن هم در جامعه اسلامی مفروض (و نه موجود و درحال گذار به جامعه مطلوب اسلامی) پرداختند و یا اگر از ارائه راهبرد و راه‌حل در کنار طرح مباحث نظری و مبنایی اسلامی دریغ

[1] Problem Solving

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

ننموده‌اند به جامعه آرمانی اسلامی نظر داشتند که "باید باشد" یعنی این راهبردها برای جامعه در حال گذار اسلامی، لزوماً راه‌حل مشکل و مسئله تلقی نمی‌شوند. نوآوری این پژوهش، طرح و ارائه رویکرد "حل مسئله" در محیط جامعه کنونی ماست که در حال گذار به جامعه مطلوب اسلامی است. جامعه‌ای که در حال شدن و رسیدن به جامعه اسلامی خالص بوده و برای رسیدن به آن، رویکرد تطبیقی- انتقادی همراه با مطالعات تجربی و آماری، در شرایط جامعه گذار، یک ضرورت آموزشی است.

۳. رویکرد جدید پیشنهادی

به‌نظر می‌رسد، مطالعه و آموزش تطبیقی-انتقادی اقتصاد اسلامی به همراه انجام مطالعات آماری (برای سنجش میزان اثربخشی یعنی تغییر در رفتارها، روند متغیرها و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌گزاری‌ها و...) موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود. اگر مطالعه و آموزش اقتصاد اسلامی به‌طور عام و اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی به‌طور خاص، بدون ارایه تحلیل‌های نظری و تجربی (تحلیل آماری) با هدف تغییر وضعیت موجود اقتصاد کشور به سوی وضعیت مطلوب و تعالی و اثربخشی آن، مورد پژوهش قرار گیرد و یافته‌های صرف نظری در قالب متون درسی تدریس شود-گرچه یک گام بایسته پژوهشی در عرصه دین به‌شمار می‌رود- اما فاقد کارآمدی بوده و تقاضایی برای آن نخواهد بود. تقاضایی که تعیین‌کننده ارزش بازاری این کالای دانشی و دینی است. از سوی دیگر، رشد و تکامل اقتصاد کلان در گرو بررسی و تحلیل نظریه‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی در عمل است. یعنی تکامل تدریجی دانش اقتصاد کلان، براساس تأیید و ردهایی است که خاستگاه آماری و شواهد عملکرد اقتصاد در جامعه مورد نظر دارند. یک دلیل بیگانگی دانشجویان و تصمیم‌سازان اقتصادی با متون اقتصاد کلان دستوری، فقدان ادبیات و شواهدی تجربی است که بتواند تأییدی بر موفقیت و کارآمدی نظریه‌ها، سیاست‌ها و راه‌کارهای اقتصادی مبتنی بر نظام کلان دستوری باشد و این‌همه نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی اقتصاد کلان اثباتی موجود، زمینه استفاده از روند آماری اقتصاد و واکنش جامعه اقتصادی نسبت به دیدگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی را فراهم می‌کند و ضمن پیوند با واقعیت اقتصادی جامعه و استفاده از تجربیات دانش اقتصادی در کشورهای مختلف و مکاتب اقتصادی گوناگون، براساس اصول موضوعه عام و خاص اسلامی به الگوی ایده‌آل کلان دستوری نزدیک‌تر می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۳-۱. دور ماندن از دام "دوگانه ناسازگار"

ادبیات اقتصاد کلان متعارف در دهه‌های اخیر رشد کیفی و کمی خوبی داشته است. دانشگاه‌های ایران (دانشکده‌های اقتصاد) به فراخور خود، از این ادبیات در قالب متون اصلی و ترجمه‌ای بهره برده‌اند. ادبیات اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی نیز برای اولین بار در ایران در دهه اخیر در قالب چندین متن درسی و کمک درسی و مقاله، راه به دانشگاه پیدا کرده‌اند اما چرا این متون، تأثیر چندانی در بهبود آموزش و سیاست‌های اجرایی کلان کشور نداشته‌اند؟ یکی از دلایل ناکارآمدی این دو دسته از متون در کشور ما، افتادن در دام "دوگانه ناسازگار" آموزشی و پژوهشی است. یعنی مطالعه و آموزش اقتصاد کلان متعارف در فضا و محیطی بومی و فرهنگی ناسازگار با فروض و یافته‌های آن (دوگان اول) و مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در چارچوب و اصول موضوعه و روش و رویکرد اقتصاد کلان متعارف (دوگان دوم) به‌نظر می‌رسد اقتصاد متعارف، در چنین دوگانی رشد نکرده است. اقتصاد کشورهای آسیای جنوب شرقی (ببرهای آسیا) نیز در چنین دامی گرفتار نیامده است. یعنی ببرهای اقتصادی آسیا در دام اقتصاد متعارف اسیر نشده‌اند بلکه نقاط قوت اقتصاد غرب را گرفته اما در سرزمین و مناسبات بومی و نهادهای فرهنگ آسیایی و دیرینه خود، نهادها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سازگار با توسعه پایدار را بنیان نهاده‌اند. لذا متون آموزشی و پژوهشی آنها برخاسته از مناسبات نهادی خودی است که بوی فرهنگ و خلاقیت و تکنولوژی آسیایی را می‌دهد. در نتیجه آنها مجبور نیستند از مطالعات آماری تماماً تحقق یافته در اروپا و آمریکا در تدریس و پژوهش و تحلیل اقتصادی، استفاده کنند بلکه برای اصلاح نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی خود به آمار عملکردی در کشور خودشان تکیه می‌کنند. اما ما چگونه در دام "دوگانه ناسازگار" گرفتار آمده‌ایم؟

ما اقتصاد اسلامی را به چه هدفی مطالعه کرده و آموزش می‌دهیم؟ برای تغییر وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب اسلامی، به میزانی که مطالعه و پژوهش و آموزش اقتصاد اسلامی در این راستا توفیق داشته باشد، اثربخشی خواهد داشت.

۳-۲. رویکرد تطبیقی- انتقادی در آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

امروز راز ماندگاری جریان اقتصاد نهادی و تقاضا برای آن در بین قشر فرهیخته دانشگاهی و دانشجویان علوم اقتصادی، قوت استدلال، واقعیت‌گرایی، قدرت توضیح‌دهندگی رویدادهای اقتصادی و تکیه بر نهادها در سایه شناخت بهتر انسان و کنش‌های او در محیط اقتصادی و واکنش نسبت به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

رخدادهای اقتصادی در جامعه امروز می‌باشد. نه تنها نظریه اقتصاد اسلامی بلکه تمام جریان‌های دانشی هترودوکس در پرتو مطالعه تطبیقی و انتقادی می‌توانند ضمن بیان نقاط ضعف و قوت نظریه رقیب و نظریه پیشنهادی، به طرح ایده و دفاع از کلیت نظریه خود بپردازند. مطالعه تطبیقی تنها کنار هم آوردن وجوه اشتراک و تفاوت دو یا چند نظریه نیست بلکه میدان نمایش کاستی‌ها، ضعف‌ها و اشتباهات آنها براساس سنجه درست منطقی و علمی است که در این رهگذر نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی می‌تواند به اثبات و تأیید خود بپردازد و ماندگار شود.

آیا جریان فکری اقتصاد اسلامی چنین حضوری در اندیشه و عمل اقتصادی در بین جوامع اسلامی داشته است؟

به‌نظر می‌رسد با حضور در میدان رقابت "مطالعه تطبیقی"، اقتصاد اسلامی با شناخت کاستی‌های روشی، الگوسازی، واقعیت‌گرایی و نگاه مسئله محوری و حل چالش‌های اقتصادی جامعه اسلامی معاصر و تقویت بال‌های اندیشه‌ای خود، به درخت تنومند و استواری در ساحت اندیشه و دانش اقتصادی تبدیل می‌شود که می‌تواند ماندگارتر از گذشته با تقاضای دانشیان اقتصاد مواجه گردد. پس ادبیات اقتصاد اسلامی نیازمند بهره‌گیری بیشتر از مزایای رویکرد مطالعه تطبیقی است.

به‌نظر می‌رسد امروز نیازمند آموزش اقتصاد کلانی در ایران هستیم که براساس پایه‌های نظری و آماری سازگار با واقعیت‌های ایران، تدریس گردد و رویکردی "حل مسئله" و "درمانگر چالش‌های اقتصادی" داشته باشد. در این‌صورت برای محصولات دانشگاهی، تقاضای مؤثر ایجاد خواهد شد و مشاوران اقتصادی، جایگاهی مشابه مشاوران حقوقی خواهند یافت. چون می‌توانند از منافع بخش عمومی و خصوصی در عرصه اقتصاد در عمل و صحنه زندگی واقعی دفاع نمایند. یکی از کاستی‌های ارایه نظام اقتصادی دستوری، نادیده گرفتن واقعیت‌های جامعه در حوزه اقتصاد و رفتارهای اقتصادی است. در این‌صورت نه تنها چشم بر پدیده‌های اقتصادی و واقعیت آنها می‌بندد، بلکه هیچ موضعی در برابر فروض غیرواقعی دیدگاه‌های به‌اصطلاح نظام اثباتی رقیب ندارد. دیدگاه رقیبی که چه بسا بر سرنوشت اقتصادی بسیاری از اقتصادهای دنیا از جمله اقتصاد کشورهای اسلامی سایه افکنده است. برای توضیح بیشتر؛ اصل تسویه دائمی بازارها که ابتدا از سوی کلاسیک‌ها مطرح شد و دنباله‌روی بنگاه در قیمت‌گذاری از قیمت تسویه شده در بازار، جایی در نظام دستوری اقتصاد کلان یا خرد با رویکردی اسلامی ندارد (نفیاً و اثباتاً).

و یا تفسیر، اهمیت و سیاست‌های مناسب اقتصاد طرف تقاضا و طرف عرضه و اینکه اقتصاد اسلامی چه تجویزی برای وضعیت رکودی یا رکود تورمی اقتصاد موجود و در حال گذار دارد؟ با چه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

سازوکاری؟ و در صورت اعمال سیاست طرف عرضه، ملاک آزمون کارایی این سیاست چیست؟ و چه نسبتی با عدالت دارد؟ و.... و یا پس از سال ۱۹۸۳ که برای اولین بار پارکین با به‌کار بردن اصطلاح کنیزی‌های جدید به معرفی آنان پرداخت و بحث ناقصی‌ها در بازار کالا، نیروی کار، اعتبارات و... مطرح شد و دیدگاه حاکم مبنی بر اطلاعات کامل در این بازارها را زیر سؤال برد و از واقعیت‌های اقتصادی جامعه سخن گفت و مورد استقبال جامعه دانشگاهی و دانشجویان زیادی قرار گرفت (تقاضا برای آن افزایش یافت)، هرگز جایی در تحلیل‌ها و توصیف‌های دستوری ندارد (نفیاً و اثباتاً). پس گرچه طرح و تبیین نظام‌های اقتصادی دستوری (البته براساس اجتهاد پویا، توجه به عنصر زمان و مکان و موضوع‌شناسی اطمینان‌آور) لازم است اما طرح اقتصاد اثباتی با رویکردی تطبیقی است که دست‌کم پژوهشگر اقتصاد اسلامی را ناگزیر از موضع‌گیری و تأیید یا رد و یا تغییر واقعیت موجود به‌سوی وضعیت مطلوب اسلامی می‌نماید و البته نظام اقتصادی اثباتی موجود و در حال گذار، تنها گزینه مورد بررسی موجود و در دسترس می‌باشد. لذا طرح اندیشه‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی به شکل تطبیقی در شرایط کنونی به‌دلایل زیر کارایی بیشتری دارد:

اول: ادبیات مدونی برای آموزش نظام اقتصادی اسلام وجود ندارد.

دوم: متون کارامدی که منعکس‌کننده اندیشه‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی باشد برای درس اقتصاد خرد و اقتصاد کلان وجود ندارد.

سوم: دانشجویان این رشته به‌خاطر ادامه تحصیل و پژوهش در مقطع بالاتر و حضور در بازار کار باید واحدهای درسی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان دوره کارشناسی ارشد اقتصاد را بگذرانند و این مهم از رهگذر رویکرد تطبیقی میسر است.

۳-۳. بازگشت به خویش در اقتصاد و دانش اقتصادی

راستی چرا آسیا و آفریقا، ناگزیر باشند تا اقتصاد برخاسته در اروپا و امریکا را فرا گیرند و عمل کنند؟

چرا خود و سرنوشت خویش را در اقتصاد، به کلاسیک سنتی، کنیزی، کلاسیک جدید، کنیزی جدید و... بدهیم؟

چرا در سرزمین و جایگاه تمدنی کهن خود، رویکرد و مکتب اقتصادی خودی نداشته باشیم؟ مثلا مکتب "اقتصاد تمدنی عرضه محور"، مکتب "اقتصاد تمدنی تولید محور" و مانند آن. مگر این رویکردها به‌خصوص "نظریه‌های رشد اقتصادی"، از حقایق آشکار شده اروپا و امریکا به‌دست نیامده

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

است؟ (ر. ک: کالدور، ۱۹۶۱؛ رومر، ۱۹۸۹؛ جونز، ۲۰۰۱) پس ما هم به‌طور نظام‌مند به حقایق آشکار شده اقتصاد خود مراجعه کنیم و با تصحیح روند آنها به حل مشکلات بومی نایل آئیم.

در زمینه استفاده از دانش اقتصاد کلان موجود که در مجموعه‌ای از مکاتب ارتدوکس و هترودکس پراکنده شده است، گاهی برخی دیدگاه‌ها با دیدگاه اسلام (برداشت اقتصادی با رویکردی اسلامی) نزدیک و حتی هم‌پوشانی دارد. برای نمونه برخی دیدگاه‌ها و نظریات نهادگرایی سنتی و جدید در زمینه انگیزه‌ها، اهداف و هنجارهای اقتصادی با آموزه‌های اقتصادی-اسلامی در متون اسلامی، بعضاً قرابت و سازگاری دارد که باید مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که در سده‌های اول هجری، مسلمانان در نهضت ترجمه فلسفه و بلکه علوم یونان باستان، چنین بهتر گزینی دانشی را براساس اصول موضوعه اندیشه اسلامی انجام دادند و بعدها به پرورش فلسفه اسلامی پس از ترجمه فلسفه یونان قدیم همت گماردند.

۳-۴. چالش جامعه آماری برای آزمون تجربی الگوها و سیاست‌های اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی

ممکن است برخی بگویند بحث از الگو برای جامعه اسلامی ایده‌آل، بحثی صد درصد اسلامی بوده و نمی‌تواند برای جامعه اسلامی‌کنونی (که هنوز نمی‌توان گفت کاملاً اسلامی است) قابل قبول و قابل تجربه باشد در نتیجه نتایج تجربی آن نیز معتبر نیست. اما پس از تأمل، رویکرد دیگری مناسب می‌نماید چون طرح مسایل اقتصادی در چارچوب الگوی اسلامی و ناظر به جامعه اسلامی موجود به‌عنوان برش و سطحی از جامعه اسلامی ایده‌آل، موجب می‌شود که تقاضای مؤثری در مجامع علمی و دانشگاهی و مراکز تصمیم‌گیری برای ادبیاتی شکل بگیرد که می‌تواند با تکیه بر آموزه‌های اسلامی به راه‌حل‌های عملی برای حل معضلات اقتصادی جامعه اسلامی امروز برسد و در طول زمان و به تدریج در فرآیندی تکاملی، زمینه برای اصلاح و رفع کاستی‌های الگوهای گذار برای رسیدن به الگوی ایده‌آل فراهم می‌شود و این اقبال و پژوهش بیشتر، پس از تقاضا و احساس نیاز کردن به این الگوها از سوی دانشجویان، پژوهشگران و سیاست‌گزاران اقتصادی می‌باشد. طرح الگو به شکل ذهنی و تجریدی برای آرمان‌شهر اسلامی، موجب می‌شود که جامعه امروز را با تمام مشکلات اقتصادی‌اش، غیراسلامی تلقی کرده، ضمن فرار از حل آنها به کلیاتی روی‌آور شویم که مفید بودن و تحقق آنها را به آینده موکول کرده‌ایم. اما طرح الگو با توجه به وضعیت جامعه و تمدن اسلامی موجود، ضمن حل مشکل امروزمان، زمینه اصلاح جامعه موجود را به‌سوی جامعه مطلوب و ایده‌آل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

اسلامی فراهم می‌کند که این اندیشه یعنی اصلاح جامعه برای ظهور مصلح و منجی بشریت (امام عصرعج) ریشه در اعتقادات ما دارد.

۳-۵. استفاده ازجامعه آماری موجود (و نه ایده‌آل اسلامی) برای مطالعه کلان با رویکردی اسلامی

به‌علاوه با این الگوهای تجریدی (هرچند درست می‌باشند) گویی، بازار سرمایه، پول، کالا و خدمات و نیروی کار در جامعه موجود را سکولار، سرمایه‌داری و یا غیراسلامی می‌دانیم. درحالی‌که برعکس، تمام این بازارها اسلامی می‌باشند اما با اصلاح و رفع نواقص و ضعف و کاستی و احیاناً برخی تورش‌ها و دور بودن از اصول موضوعه اسلامی، الگوهای کامل اسلامی، یا کاملاً اسلامی خواهند شد و یا به جامعه ایده‌آل اسلامی نزدیک‌تر می‌شوند.

آیا بازار سرمایه و نظام مالی در جامعه امروز ایران، غیراسلامی است؟ مسلماً اسلامی است اما در مواردی، رفتارهای غیراسلامی در آن خودنمایی می‌کند. آیا بازار تهران، قم، اصفهان، شیراز و مشهد و تبریز غیراسلامی است؟ مسلماً اسلامی است اما هرگز ایده‌آل نیست و باید آنها را با آموزش، ایجاد ساختار و نهادهای اسلامی بازار، به بازار اسلامی ایده‌آل نزدیک‌تر کرد و این هدف با رهاسازی بخش‌ها و بازارهای ایران اسلامی موجود و طرح الگوهای ذهنی محقق می‌شود یا پرداختن به این بازارها و اصلاح آنها از طریق الگوهایی است که بتدریج به الگوهای ایده‌آل نزدیک می‌شوند؟ الگوهایی که به شواهد آماری وضعیت موجود تکیه دارد تا پس از تحلیل کافی، از میزان تورش فضای اقتصادی آنها با فضای اقتصادی اسلامی کاسته شود و بتدریج تکمیل گردند. در وضعیت کنونی ایران و در بخش مالی، چه در زمینه بانکداری بدون ربا و چه بازار سرمایه از صورت‌های مالی و ترازنامه‌های بانکی استفاده می‌کنیم درحالی‌که رفتارهای مردم کنونی ایران و مشتریان بورس و بانک‌ها لزوماً رفتاری اسلامی نیست اما به‌عنوان اقتصادی اسلامی در پژوهش‌های اسلامی و تحلیل بازار سرمایه اسلامی و بانکداری بدون ربا مورد استفاده قرار می‌گیرند خوب همین استناد آماری چرا در زمینه متغیرهای کلان اقتصاد مانند بیکاری، اشتغال، تورم و ... نباشد؟

یکی از علل عدم تأثیر و استفاده و جاذبه علمی و عملی برخی الگوهای پیشنهادی این است که چون با واقعیت موجود جامعه فاصله دارند، یک اثر علمی کتابخانه‌ای تلقی می‌شوند و هرگز با پدیده‌ها و رفتارهای خرد و کلان اقتصادی جامعه تحلیل نمی‌شوند. لذا مورد نقد و تجزیه و تحلیل و بررسی آماری در جامعه اسلامی موجود قرار نمی‌گیرند تا نقص و کاستی آنها روشن شود. درحالی‌که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

هیچ‌یک از ارایه‌دهندگان این الگوهای خرد و کلان اسلامی، ادعای صحت و کامل بودن آنها را ندارند و تنها قرائتی خاص و برداشتی محدود از آموزه‌ها و اصول اسلامی و اقتصادی به‌شمار می‌روند.

منظور از جامعه اسلامی، کشوری مانند ایران می‌باشد که هدف مردم و مسئولان آن بنا به فرض، حاکمیت کامل اسلام در تمام بخش‌ها است و غالباً مردم این جامعه، رفتاری اسلامی دارند گرچه در مواردی خالص نبوده و با اصول و ارزش‌های مکتبی و اخلاقی اسلام تورش دارد. قوانین و نهادهای اسلامی در مجلسی اسلامی تقنین و اسلامیت آن هم توسط شورای نگهبان قانون اساسی تضمین شده است. جامعه مورد نظر، جامعه‌ای در حال گذار به جامعه ایده‌آل اسلامی است. یک دلالت مهم چنین تعریفی از جامعه اسلامی، امکان استناد و آمارهای موجود در جامعه و بازار اسلامی موجود به‌خصوص در کشورهایی است که در ادامه فرهنگ و تمدن اسلامی ۱۵۰۰ ساله، با عنوان کشور اسلامی به حیات اجتماعی و اقتصادی خود ادامه می‌دهند و تنها آن بخش از رفتار و نهادهای اقتصادی مغایر با جهان‌بینی اسلامی، قابل استناد نمی‌باشد. بدیهی است علم اقتصاد کلان به‌دست‌آمده از چنین جامعه‌ای:

اول: به تدریج در حال تکامل به سوی علم برخاسته از جامعه اسلامی ایده‌آل است.

دوم: می‌تواند مشکل‌گشای مسائل اقتصادی کنونی جامعه باشد که وظیفه اصلی اقتصاد کلان می‌باشد.

سوم: این علم اسلامی و بومی، بستر مطالعات اقتصادی و آماری پژوهشگران مسلمان در عرصه اقتصاد می‌باشد.

چهارم: می‌تواند ناقصی‌های بازارهای کنونی را به شکل واقع‌بینانه نمایان سازد.

تفاوت اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی با اقتصاد متعارف که عمدتاً در چارچوب نظام اقتصاد سرمایه‌داری است، این است که آنها بر حقایق آشکار شده تکیه کرده و به سیاست خاصی می‌رسند اما رویکرد اسلامی، ضمن بهره گرفتن از روندهای آماری و حقایق آشکارشده، آنها را با لحاظ اصول موضوعه اسلامی و نهادهای دینی و بومی می‌پذیرد. مطالعه و بررسی وضعیت دانش اقتصادی در قرون اولیه اسلامی نشان می‌دهد که دانشمندان و فقیهان آن روزگار منتظر تحقق جامعه اسلامی خالص نمانده‌اند و برای حل مسائل اقتصادی جامعه خود از داده‌های همان جامعه استفاده کرده‌اند و با اصول موضوعه اسلامی، برای جامعه موجود عصر خویش به تجویز سیاست‌ها و راه‌کارهای اقتصادی پرداختند. برای مثال ابویوسف (۱۱۳ - ۱۸۲ قمری)، قبل از آنکه نظرش را به مسئولان قیمت‌گذاری حکومت ارائه دهد به بررسی علل افزایش قیمت‌ها در روزگار خود پرداخت. غزالی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

(۴۵۱- ۵۰۵ قمری) به تشریح مسائل موجود در معاملات تهاتری قبل از تبیین منافع ناشی از استفاده از پول و توصیف عملکرد اصلی آن پرداخت. همچنین در قرون هفتم و هشتم هجری، که اجتهاد در اقتصاد اسلامی به اوج خود رسید، دانشمندان برجسته‌ای مانند عبدالرحمان ابن‌خلدون (۱۳۳۲ –۱۴۶۶) و تقی‌الدین مقریزی (۱۳۶۴ - ۱۴۱۶) میلادی، پدیده‌های اقتصادی را درون بستر اجتماعی و تاریخی آن روزگار بررسی و تفسیر نمودند. ابن‌خلدون، اصول و قوانینی را در اختیار گذاشت که توضیح‌دهنده چگونگی تغییر ماهیت مسائل اقتصادی در طول مراحل مختلف تمدن بشری بود. مقریزی تفسیر خود از تورم عنان گسیخته مصر را در آن روزگار با تکیه بر شواهد تاریخی و جاری در جامعه خود ارائه نمود (یسری احمد، ۲۰۰۲: ۲۲). حال چرا ما از این تجربه گران‌قدر در تاریخ اسلامی بهره نجوییم و اقتصاد اسلامی را بی‌توجه به مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی آموزش دهیم؟

۳-۶. شبهه منفی بودن طرح اقتصاد اسلامی در حاشیه اقتصاد متعارف

این شبهه وقتی قابل قبول است که ذهن پژوهشگر، متأثر از ارزش‌های غیر اسلامی باشد. یعنی اولاً به مبانی دینی اسلام به‌طور عام و اصول موضوعه علم اقتصاد با رویکردی اسلامی به‌طورر خاص آشنا نباشد و در عمل نیز از اصول موضوعه و پارادایم‌های حاکم بر اقتصاد متعارف تأثیر بپذیرد. علاوه بر این دو نکته، ناگزیر از مطالعه و بلکه تسلط بر اقتصاد متعارف برای بنیان‌گذاری کلان اسلامی خواهیم بود یعنی نه تنها این آشنایی به معنای تأثیرپذیری مذموم نیست بلکه بدون این آشنایی و آنهم درحد تسلط کافی، امکان تبیین رویکرد اسلامی وجود ندارد. دلیل این مطلب این است که پژوهشگر غیرآشنا به اقتصاد، هرگز در تبیین اقتصاد با رویکردی اسلامی موفق نیست و گذشته هم این را ثابت کرده است. حتی کسانی که دانش‌آموخته اقتصاد بوده ولی تسلط کافی به آن ندارند در این زمینه توفیق چندانی نداشته اند. قاعده و اصل عقلایی این مبنا، لزوم آشنایی با علم امروز و تحولات آن برای ارایه و تولید و تأسیس اصول اسلامی برای آن علم است و این کبرای کلی و عقلایی برای تمام علوم اجتماعی جاری است. علاوه بر این بر مبنای تعریف حداکثری علم دینی به مفهوم وسیع (ر. ک: رجبی، ۱۳۹۷)، بخشی از یافته‌ها و اصول و نظریات علوم امروزی که برای عالم به این علم، علم‌آور یا اطمینان‌آور باشد، در قلمرو علوم دینی یا اسلامی قرار می‌گیرد و عدم آشنایی با آن به منزله محروم کردن خود از بخشی از علوم اسلامی است. همچنین، اسلامی کردن علوم، به‌معنای شروع از صفر و بی‌توجهی به تاریخ علم خاص نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۳-۷. استفاده از مطالعه آماری برای ارزیابی سیاست‌های دستوری با رویکردی اسلامی

یک دلیل بیگانگی دانشجویان و تصمیم‌سازان اقتصادی با متون اقتصاد کلان دستوری، فقدان ادبیات و شواهدی تجربی است که بتواند تأییدی بر موفقیت و کارآمدی نظریه‌ها، سیاست‌ها و راه‌کارهای اقتصادی مبتنی بر نظام کلان دستوری اسلامی باشد و این‌همه نشان می‌دهد که مطالعه تطبیقی اقتصاد کلان اثباتی موجود، زمینه استفاده از روند آماری اقتصاد و واکنش جامعه اقتصادی نسبت به دیدگاه‌ها و سیاست‌های اقتصادی با رویکردی اسلامی را فراهم می‌کند و ضمن پیوند با واقعیت اقتصادی جامعه و استفاده از تجربیات دانش اقتصادی در کشورهای مختلف و مکاتب اقتصادی گوناگون، براساس اصول موضوعه عام و خاص اسلامی به الگوی ایده‌آل کلان دستوری نزدیک‌تر می‌شود. ضرورت مطالعه تجربی و آماری و به‌عبارتی توجه به "واقعیت‌های اقتصادی" این است که در چارچوب نظریه‌های اقتصادی که در پی ساده‌سازی پیچیدگی‌های جهان واقع هستند، بسیاری از ابعاد و پیچیدگی‌های واقعی نادیده انگاشته می‌شود لذا در مطالعات آماری، می‌توان به نوعی اثر متغیرهایی را دید که در نظریه، دیده نشده‌اند (ر. ک: خدیوی رفوگر، ۱۳۹۲).

یکی از اصول مهم در تدریس اقتصاد کلان در مقطع کارشناسی ارشد با رویکردی اسلامی، توجه به مطالعات آماری (ناگزیر از کشور ایران و سایر کشورهای اسلامی) است (روشی که برای تصحیح نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان سرمایه‌داری، متون اصلی اقتصاد کلان، روی اقتصاد آمریکا انجام می‌دهند و روندهای آماری را دلیل موفقیت یا شکست نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی می گیرند). که مدل‌ها و نظریه‌ها را از حالت انتزاعی خارج می‌کند و جنبه‌های غیرعملی آنها را می‌نمایاند و به راه‌حل‌های واقعی‌تر برای حل مشکلات اقتصاد کلان منجر می‌شود و جنبه موضوع‌شناسی اقتصاد کلان را تقویت می‌کند، مشکل یا کاستی‌ای که معمولاً نظریه‌های محض و غیرکاربردی را تهدید می‌کند. آیا اگر اقتصاد اسلامی از محدود شدن در طرح مبانی و اهداف کلی، فاصله گرفته و به هدایت‌های عملی در جامعه اسلامی دست بزند، به‌طوری‌که بازخورد توصیه‌های دستوری و نظری با آمار و ارقام تجزیه و تحلیل شود و اثربخشی (مقایسه عملکرد با اهداف اعلام شده و میزان تحقق اهداف) نظام دستوی و راهبردهای اقتصاد اسلامی، مورد سنجش قرار گیرد، بر رشد و بالندگی آن افزوده نمی‌شود؟ و فاصله اش از عالم محض نظری با واقعیت‌های اقتصادی جامعه اسلامی کمتر نمی‌شود؟ به چند دلیل، الگوی نظری و عملی اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌جای جامعه آرمانی و مدینه فاضله اسلامی باید برای جامعه عادی و در حال گذار به سوی جامعه آرمانی اسلام باشد:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۱. همه افراد جامعه، خلق و خو و رفتار و کردار اقتصادی و اخلاقی پیامبر(ص) علی بن ابیطالب(ع) فاطمه زهراء(س)، سلمان، ابوذر و اویس قرنی را ندارند حتی اگر دارای تربیت اسلامی بالا باشند.

۲. الگوی اسلامی برای حالت‌های حدی نیست. یعنی انسان‌های ایثارگر، که راه‌حل‌های گوشه‌ای را براساس ارزش‌های خود انتخاب می‌کنند، مبنای الگوی اقتصادی قرار نمی‌گیرند به‌خصوص که آزمون رفتار آنان هم، بسیار دشوار است.

۳. طراحی، تدوین و تبیین الگوهای رفتاری - اقتصادی برای انسان‌های عادی است که چه بسا در کنار انسان‌هایی که رفتار غیرقرآنی دارند یا دچار ناهنجاری های اقتصادی هستند، زندگی می‌کنند.

۴. تبیین رفتارهای انسان‌های عالی و نمونه اعلی، تنها نوعی معرفی سرمشق‌های انسانی و اسلامی است که برای مقایسه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب و تحلیل‌های اقتصادی مفید است اما مبنای الگوها، انسان‌های متعارف و معمولی است که در جامعه اسلامی، فرض بر این است که دست کم، نصف آنها دارای تربیت و انگیزه اسلامی هستند.

۵. در جامعه متعارف اسلامی (هم‌چنان‌که در جامعه صدر اسلام نیز این‌چنین بوده) افرادی با رفتارهای غیراسلامی وجود دارند که به‌دنبال منافع شخصی هستند یا نسبت به ارزش‌های دینی بی‌اعتقاد بوده و خود را متعهد به انجام و رعایت آنها نمی‌دانند. بنابراین الگوها برای چنین انسان‌هایی نیز طراحی می‌شوند تا آنها را به‌سوی جامعه آرمانی اسلام هدایت کنند. یعنی این الگوها باید برای جامعه‌ای که در حال گذار از وضعیت موجود غیرمطلوب به سوی جامعه توسعه‌یافته اسلامی است، مفید، عملی و قابل اجرا باشند.

۶. به این دلیل که قبول نداریم تأمین منافع فردی منجر به منافع جامعه می‌شود، حتماً وجود دولت اسلامی در بعد نظارت و حاکمیتی و تصدی‌گری در تولید کالاهای عمومی، در این الگوی کلان اسلامی توجیه دارد و دارای مبنای نظری-دینی است که متناسب با این قلمرو و وظایف و براساس این مبانی، باید در الگو تعریف شود و لینک‌های آن با سایر بخش‌های اقتصاد ملاحظه شود.

اقتصاد اسلامی (و شاخه‌های آن هم‌چون اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد منابع و محیط زیست و...) باید بتواند برای وضعیت موجود اقتصاد در کشورهای اسلامی و بلکه با توجه به جهان‌شمول بودن راهبردها و راه‌کارهای آن، برای جامعه جهانی، نظریه‌های متناسب و سازگاری ارایه دهد. برای نمونه، برخی مدل‌های نظری اقتصاد کلان، پس از بیان فروض اولیه مدل و اهداف و مبانی نظام دستوری اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، از مدل کنیزی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

تحلیل‌های مبتنی بر آن، به‌عنوان مدل اولیه یاد می‌کنند و فاصله خود را با واقعیت و رویکرد حل مسئله کلان جامعه اسلامی هم‌چنان حفظ می‌کنند که به همین نسبت از کارآیی لازم دور بوده و تقاضای مؤثری برای چنین ادبیات اقتصادی وجود ندارد. توضیح مسئله این است که در چند دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران از مشکل کمبود عرضه و فشار تقاضا و وضعیت تورم رکودی یا رکود تورمی رنج می‌برد. ولی ما در بالاترین تلاش‌های علمی و مدل‌سازی نظری، هم‌چنان بر ادبیات کنیزی متعارف اصرار داریم.

یا قانون اساسی ما که به همت عزیزانی در حدود چهار دهه پیش تنظیم و تصویب گردید، در بخش اقتصادی نیازمند متمم بوده که تا اندازه‌ای با ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ از سوی رهبری ترمیم شد. ولی نظریه دولت در نزد تصویب‌کنندگان و خبرگان ملت در سال ۱۳۵۸ و اختیارات گسترده دولت در عرصه اقتصاد، که در سال‌های اخیر با چالش جدی مواجه شده است، بیانگر نظریه جدیدی نسبت به وظایف و گستره دولت در اقتصاد می‌باشد. این درحالی است که در اقتصاد متعارف از نقش حداقلی دولت به نقش متعادل و هدف‌مندی رسیده‌اند که جای بخش خصوصی را اشغال نکرده ولی نقش فعالی در اقتصاد کشورهای پیشرفته ایفا می‌کند و یا می‌گوییم در صدر اسلام، اگر برخی سال‌ها در جامعه اسلامی تورم بوده، هرگز منشاء پولی نداشته و علتش خشکسال، قحطی و جنگ آن هم به شکلی موقتی بوده است. ولی در عصر حاضر که نه تنها پول اعتباری بلکه پول دیجیتال و بیت کوین و مانند آن را در مبادلات جهانی شاهدیم و تورم منشاء پولی هم دارد چه نظریه و راهبردی از سوی اقتصاد اسلامی قابل ارایه است؟

برای بیکاری و اشتغال کدام مدل و منحنی توصیه می‌شود؟ آیا منحنی فیلیپس کنیزی، پول‌گرا، کلاسیک، کنیزی جدید و... کدامیک با آموزه‌های دینی و اسلامی سازگار است؟ برای مالیات و نرخ آستانه مالیات‌ستانی چطور؟ مبادلات بین‌الملل و تعامل جامعه اسلامی با سایر کشورها چگونه است؟

به‌نظر می‌رسد آن‌طور که "اقتصاد اسلامی" در برخی کشورهای اروپایی با نام "تأمین مالی اسلامی" مشهور شده و به مشکل‌گشایی حتی در جامعه غیراسلامی پرداخته، همین‌طور نیازمند رشدی متوازن در سایر بخش‌ها از جمله اقتصاد کلان و اقتصاد بخش عمومی و مانند آن می‌باشد. تا در رویایی با رویدادهای اقتصادی هم‌چون بحران مالی ۲۰۰۸، عیار خود را نشان دهد و ادبیات اقتصاد اسلامی کم‌کم تصحیح و تثبیت شود و ضمن مواجه شدن با تقاضای مؤثر، به نظریه‌ای پایدار و ماندگار در ادبیات اقتصادی موجود تبدیل گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۳-۸. رویکرد مبتنی بر شواهد درآموزش اقتصاد کلان متعارف

یکی از جدیدترین مقالات در زمینه آموزش اقتصاد کلان، به رویکرد داشبورد FRED[1] اشاره کرده ،روشی که به در آموزش و تدریس اقتصاد کلان به استاد و دانشجویان کمک می‌کند تا از نمودارها و داده‌های کلان در کلاس درس از طریق داده‌های اقتصادی فدرال رزرو کمک بگیرند تا برای دانشجویان جذبه بیشتری داشته باشد و فهم اقتصاد کلان را آسانتر و کارآمد تر نماید.(دیوگو مندز کارباجو ۲۰۱۹) این رویکرد از سوی سه نویسنده مهم اقتصادی یعنی عاجم اوغلو و دیوید لیپسون و جان لیست در سال ۲۰۱۷ در یکی از جدیدترین کتاب‌هایی که در زمینه اقتصاد کلان در فضای اقتصاد رفتاری نوشته شده است، برگزیده شده است. در این میان آقای دیوید لیپسون که مسئولیت بیان مبانی مبتکرانه رفتار انسانی در دانشگاه‌هاروارد را برعهده دارد و یکی از گرایش های اصلی او نیز اقتصاد کلان است به همراه دو تن دیگر ، این رویکرد را برای آموزش اقتصاد کلان ، به‌عنوان یک متن درسی انتخاب کرده اند. به این شکل که آنها پرسش های واقعی در زندگی اقتصادی مردم را مطرح می‌کنند. یعنی به وقایع جاری اقتصادی در سطح کلان در کلاس درس می پردازند تا دانشجویان درباره محیط اطراف خود بهتر و بیشتر بدانند و آنچه که در جهان پیرامون خودشان اتفاق افتاده را به خوبی در پاسخ به این پرسش ها شرح می‌دهند و این نوع تدریس هم تأثیر بیشتری دارد و هم برای دانشجویان درس اقتصاد کلان ، کارایی و جاذبه بیشتری دارد. و این یکی از تازه ترین روش‌هاست که از سوی اقتصاددانان کلان آن هم در سطح دانشگاه‌هاروارد بکار گرفته شده است.خوب ما در ایران در سطح کلان برای مثال ،در طول چند دهه اخیر، سیاست‌های پولی و مالی را داریم . برای نمونه ،یکی از مباحث سیاست‌های مالی اگر بتوان آن را سیاست نامید، سیاست های مالیاتی ما در سطح کلان می‌باشد اعم از سیاست‌های مالیاتی به شکل ملی و در سطح منطقه ای و استانی، که تحلیل کارآمدی این سیاست‌ها براساس واکنش‌هایی که مودیان مالیاتی در سطح کشور و کلان اعم از حقیقی و حقوقی انجام می‌دهند، باید در درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی تحلیل شود. چرا چون فرض بر این است که این سیاست‌ها از سوی کسانی که در حکومت دینی و با داعیه و انگیزه دینی طراحی می‌شوند ارائه شده است. در این‌صورت تدریس اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی در زمینه تحلیل سیاست‌های پولی و مالی براساس شواهد و آمار می‌تواند به همراه تحلیل آماری و اقتصادی آن هم با رویکرد تحلیل انتقادی، آثار زیر را داشته باشد:

[1] FRED (Federal Reserve Economic Data) Dashboard

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

اول: نظریه اقتصادی اسلام در این بخش از اقتصاد کلان را به شکل ملموس و براساس شواهد ارائه نماید.

دوم: به پژوهشگران و اساتیدی که این درس را ارائه می‌دهند یک دید بهتر، نزدیک‌تر و واقعی‌تر برای ارائه مطالب در کلاس درس ارائه کند.

سوم: این رویکرد برای دانشجویان درس اقتصاد کلان جذبه کافی دارد. چون براساس آمار و شواهد واقعی جامعه ایران و همراه با تحلیل عملکرد سیاست‌ها در چارچوبی اسلامی است.

چهارم: نتایج این مطالعه و آموزش برای تصمیم‌گیران اقتصادی می‌تواند تصحیح‌کننده و هدایت‌گر باشد.

پنجم: چنین رویکردی به‌شکل مؤثرتری می‌تواند آموزه‌های اسلامی را در ارتباط با سیاست‌های کلان اقتصادی به‌صورت واقع‌گرایانه و درست‌تری تبیین نماید که قطعاً با فضای تجریدی و بدون ملاحظه شواهد واقعی، نتایج متفاوتی خواهد داشت.

۴.خلاصه و نتایج

این پژوهش با هدف، بررسی و نقد رویکردهای مطالعه و آموزش اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد در سه دهه اخیر در ایران با این پرسش مهم آغاز شد که چرا در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان، تقاضایی برای این دانش نوپا (البته به شکل دستوری و بی‌ارتباط با وضعیت موجود اقتصاد ایران) نیست؟ و چرا اثربخشی لازم را نداشته است؟ آنگاه با روش تحلیل انتقادی، رویکردهای عمده در این زمینه دسته‌بندی و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در ادامه، رویکرد پیشنهادی بر محور آزمون فرضیه پژوهش، به‌طورر مستند تبیین شد و نتایج زیر به‌دست آمد:

- رویکرد تطبیقی- انتقادی برای آموزش درس اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی در رشته اقتصاد اسلامی، مقطع کارشناسی ارشد در شرایط گذار جامعه به‌سوی جامعه ایده‌آل اسلامی، مناسب است.
- نظریه اقتصاد کلان با رویکردی اسلامی، به‌طور کافی و مؤثر تبیین نشده است و در مراکز علمی-پژوهشی و تصمیم‌گیری اقتصادی، تقاضای مؤثری برای آن وجود نداشته است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

- آموزش تطبیقی - انتقادی این درس، به همراه انجام مطالعات آماری، موجب افزایش اثربخشی و تقاضای مؤثر برای آن می‌شود.
- یکی از دلایل ناکارآمدی متون اقتصادی با رویکردی اسلامی در کشور ما، افتادن در دام "دوگانه ناسازگار" آموزشی و پژوهشی است. یعنی مطالعه و آموزش اقتصاد کلان متعارف در فضا و محیطی بومی و فرهنگی ناسازگار با فروض و یافته‌های آن (دوگان اول) و مطالعه و آموزش اقتصادکلان با رویکردی اسلامی در چارچوب و اصول موضوعه و روش و رویکرد اقتصاد کلان متعارف (دوگان دوم).
- طراحی، تدوین و تبیین الگوهای رفتاری - اقتصادی برای انسان‌های عادی است که چه بسا در کنار انسان‌هایی که رفتار غیرقرآنی دارند یا دچار ناهنجاری های اقتصادی هستند، زندگی می‌کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

منابع

۱. خدیوی رفوگر، سعید (۱۳۹۲). "روش‌شناسی آموزش در اقتصاد اسلامی با استفاده از رویکرد تحویل گرایانه"، روش‌شناسی علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۴ تا ۱۳۳.

۲. رجبی، ابوذر (۱۳۹۷). "بررسی تطبیقی رهیافت آیت‌الله جوادی آملی و دکتر نصر در علم دینی تمدن ساز"، دو فصلنامه علمی – پژوهشی علم و دین، دوره دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۲-۹۵.

۳. رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۴). "مبانی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های علم اقتصاد اسلامی به مثابه علم بومی"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۴.

۴. الزامل، یوسف بن عبدالله و بن جیلانی، بوعلام (۱۳۷۸). ترجمه نصرالله خلیلی تیر تاشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، تهران، چاپ اول.

۵. زریباف، سیدمهدی و زندی، حسین (۱۳۹۵). "رویکرد بایسته آموزشی در مواجهه اقتصاد اسلامی با پارادایم"، مجموعه مقالات چهاردهمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.

۶. مشیری، سعید (۱۳۸۱). "مروری بر تحولات آموزش و پرورش در اقتصاد کلان در جهان و ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، تابستان ۸۱، شماره ۱۱.

۷. میرمعزی، حسین (۱۳۸۴). اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

۸. میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۲). "بررسی دو متن درسی در اقتصاد کلان"، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۹۲، صص ۱۳۴ تا ۱۰۹.

۹. نمازی ، حسین (۱۳۸۷) ، نظام‌های اقتصادی ،شرکت سهامی انتشار ، چاپ پنجم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

10. Ahmed, Abdel-Rahman Yousri (2002) Methodological approach to Islamic economics : its philosophy, theoretical construction and applicability Published in Theoretical foundations of Islamic economics. Jeddah, 2002, p. 19-5
11. Al-Jarhi, Mabid (2002): Macroeconomics: An Islamic Perspective. Published in: Proceeding book of International Seminar on Macroeconomics from Islamic Perspective: Theory and Contemporary Issues, September 22-24th, (22 September 2004)
12. Askari, Hossein (2014), *Introduction to Islamic Economics: Theory and Application*, with Zamir Iqbal and Abbas Mirakhor, Singapore: John Wiley and Sons.
13. Blanchard, O.J. (1997), *Macroeconomics*, New Jersey: Prentice-Hall
14. Brian Snowdon, Howard R. Vane 2005 ,Modern Macroeconomics ,Its Origins, Development and Current State .
15. DiegoMendez-Carbajo (2019), Experiential learning in macroeconomics through FRED cast ,International Review of Economics Education,Volume 30, January 2019[1]
16. Jones, C.I. (2001), *Introduction to Economic Growth*, 2nd edn, New York: W.W. Norton
17. Kaldor, N. (1961), 'Capital Accumulation and Economic Growth', in F.A. Lutz and D.C. Hague (eds), *The Theory of Capital*, New York: St Martin's Press
18. Kuznets ,Simon (1941), National Income and Its Composition, 1919 - 1938. 2 vols, New York, National Bureau of Economic Research.
19. Mankiw N. Gregory (2006),The Macroeconomist as Scientist and Engineer ,Cambridge

Proceedings of the Seminar on"Teaching Islamic Economics at University Level" held in Dhaka
July 23 to August 05, 1991 With the Cooperation of IRTI of the Islamic Development Bank, Jeddah and the Islamic Foundation, Bangladesh.
Tahir, Sayyid ,(1991), MACROECONOMIC THEORIZING FROM ISLAMIC PERSPECTIVE, LESSONS IN ISLAMIC ECONOMICS VOLUME *I*
Tahir , Sayyid ,(2005),Data Requirements for Macroeconomic Analysis from the Islamic perspective.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

20. Romer, C.D. (1989), 'The Pre-war Business Cycle Reconsidered: New Estimates of GNP, 1869–1908', *Journal of Political Economy*, February

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]